جلسه 79-679

**‌شنبه - 14/12/1400**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللة الرحمن الرحیم الحمد للّه رب العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللة في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به فرمایش صاحب عروه بود که فرمود اگر ترک کند قرائت را نسیانا، رکوع برود نمازش صحیح است و لکن سجده سهو دارد یکی برای ترک سوره حمد، دیگری برای ترک سوره واجب بعد از حمد.

دلیل صاحب عروه یکی مرسله ابن ابی‌عمیر است عن بعض اصحابنا عن سفیان بن سمط عن ابی‌عبدالله علیه السل ام قال تسجد سجدتی السهو فی کل زیادة تدخل علیک أو نقصان. ما سعی کردیم سند این روایت را تصحیح کنیم.

آقای سیستانی فرمود: روایة سفیان مرسلة لااعتبار بها، ایشان مراسیل ابن ابی‌عمیر را قبول کردند، ما وجه این فرمایش را در این‌جا نفهمیدیم.

برخی مثل آقای داماد معتقدند که چون ابن ابی‌عمیر از اصحاب اجماع است، طبق نقل کشی اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم، سند تا ابن ابی‌عمیر صحیح باشد، بعد از او تا امام، دیگر نگران نباشید. اجماع داریم بر تصحیح حدیثی که تا این اصحاب اجماع به سند صحیح به دست ما رسیده باشد. این‌جا هم تا ابن ابی‌عمیر سند، صحیح است، بعد از آن دیگر مهم نیست.

ما این نظریه اصحاب اجماع را قبول نداریم. نه فقط بخاطر فرمایش آقای خوئی که اجماع علماء چه اعتباری دارد؟ اجماع دارند بر تصحیح ما یصح عن هؤلاء، چه اعتباری دارد؟ فقط به این خاطر نمی‌گوییم، اصلا معتقدیم این عبارت ظهور ندارد در بیش از اجماع بر فقاهت و علم این هیجده نفر. تصحیح ما یصح عنهم بعدش دارد و تصدیقهم فیما یقولون، یعنی این هیجده نفر متفق‌علیه است وثاقت‌شان و فقاهت‌شان.

[سؤال: ... جواب:] تصحیح ما یصح عن هؤلاء یعنی از حیث این‌ها حدیث صحیح است.

شاهدش این است: در شش نفری که از اصحاب ام ام باقر علیه السل ام هستند این تعبیر نیامده، تعبیر نکرده: تصحیح ما یصح عنهم، بعد که می‌‌رسد به اصحاب ام ام باقر و ام ام صادق علیهما السلام، آن‌جا می‌‌گوید و من دون هؤلاء، بعد از آن شش نفر از اصحاب اجماع ام ام باقر علیه السلام، شش نفر دیگر هستند از اصحاب ام ام باقر و ام ام صادق علیهما السلام، آن‌جا می‌‌گوید اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم، می‌‌گوید و من دون ذلک، یعنی بعد از آن شش نفر این شش نفر، راجع به آن شش نفر اول نگفت تصحیح ما یصح عنهم. این شش نفر در رتبه بعد از آن شش نفر اول هستند، راجع به آن شش نفر اول نگفت تصحیح ما یصح عنهم، "و تصدیقهم فیما یقولون" را گفت، "و اقروا لهم بالعلم و الفقه" را گفت. ناظر به اتفاق بر فقاهت و وثاقت این افراد است.

مرحوم آقای بروجردی فرمودند این روایت معرض‌عنه اصحاب است. تا زمان علامه حلی و شهید اول فتوی ندادند طبق این روایت، شیخ طوسی هم گفته بعض اصحابنا گفتند سجده سهو برای هر نقیصه و زیاده‌ای هست، اعراض مشهور قدماء موهن این روایت هست. نکته اعراض را هم بعدا ما عرض می‌‌کنیم؛ یک نکته فنیه‌ای دارد.

مرحوم آقای داماد فرمودند: شاید نکته اعراض این باشد که این روایت اختصاص به نماز ندارد. تسجد سجدتی السهو فی کل زیادة تدخل علیک او نقصان فی الصلاة که نگفته. و لذا علماء دیدند نمی‌شود به این عموم عمل کرد و لذا اعراض کردند.

انصافا متفاهم عرفی از این روایت نماز است. تسجد سجدتی السهو جو فقهی عامه هم این بود که سجده سهو در زیاده و نقیصه در نماز هست، ام ام وقتی می‌‌فرمایند تسجد سجدتی السهو فی کل زیادة تدخل علیک او نقصان، با توجه به این جو فقهی همه می‌‌فهمیدند یعنی فی الصلاة، نیاز نداشت بگویند فی الصلاة. آقای داماد می‌‌گویند چون ندارد فی الصلاة پس عمومش غیر نماز را هم می‌‌گیرد، ‌مثلا غیر نماز چی؟ حج مثلا، زکات بیشتر می‌‌دهی، خمس بیشتر می‌‌دهی، این‌ها که جو فقهی نبوده که سجده سهو دارد. انصراف دارد به فی الصلاة.

پس به نظر ما این روایت سندا ت ام است. دلالتا هم فی حد نفسه ت ام است. بله، اعراض مشهور قدماء از این روایت هست ولی نکته‌ای دارد که بعدا عرض می‌‌کنم.

دلیل دوم بر وجوب سجود سهو لکل زیادة و نقیصة این است که روایاتی داریم که در فرض علم اجمالی به این‌که یا زیاد کردم من در نماز چیزی را یا کم کردم چیزی را، روایاتی داریم فرموده باید سجده سهو بجا بیاوری، گفته می‌‌شود علم که طریقیت دارد، اگر علم داری یا زیاد کردی چیزی را در نماز یا کم کردی باید سجده سهو بجا بیاوری این را به عرف بدهیم می‌‌گوید اگر علم تفصیلی پیدا کردم به زیاده یا علم تفصیلی پیدا کردم به نقیصه یا علم تفصیلی پیدا کردم هم به زیاده هم به نقیصه، این‌جا ما بگوییم سجده سهو نیست این عرفیت ندارد.

روایاتش را بخوانیم، ‌وسائل جلد 8 صفحه 224 صحیحه حلبی: اذا لم تدر اربعا صلیت‌ ام خمسا‌ ام نقصت‌ ام زدت فتشهد و سلم و اسجد سجدتین.

این روایت سه احتمال دارد:

احتمال اول: بگوییم:‌ ام زدت‌ ام نقصت این‌ها عطف هستند بر جمله اربعا صلیت‌ ام خمسا، یعنی اذا لم تدر اربعا صلیت‌ ام خمسا أو لم تدر نقصت‌ ام زدت، اگر ندانی چهار رکعت خواندی یا پنج رکعت، بعد از اکمال سجدتین می‌‌گویند سل ام بده بعد سجده سهو بجا بیاور، أو لم تدر نقصت‌ ام زدت، نمی‌دانی در نمازت چیزی را زیاد کردی یا کم کردی یعنی علم اجمالی داری که یا کم کردی یا زیاد کردی.

آقای خوئی فرموده این احتمال اظهر است برای این‌که لفظ امر غالبا در مورد علم اجمالی بکار می‌‌رود.

این یک احتمال. احتمال دوم این است که بگوییم‌ ام نقصت‌ ام زدت عطف بر خود لم تدر هست نه بر مفعول لم تدر، یعنی اذا یکن لم تدر اربعا صلیت‌ ام خمسا، و اذا نقصت، و اذا زدت. اگر این‌جور باشد که نور علی نور است، کاملا روشن می‌‌کند که اذا نقصت فاسجد سجدتی السهو اذا زدت فاسجد سجدتی السهو.

احتمال سوم این است که ما بگوییم هر کدام از نقصت یا زدت عطف بر مفعول لم تدر است. این‌جوری می‌‌شود: اذا لم تدر نقصت‌ ام لا، او لم تدر زدت‌ ام لا، فاسجد سجدتی السهو، اگر ندانی حالا غیر از این‌که چهار رکعت خواندی یا پنج رکعت که هیچ، بعد دومرتبه لم تدر می‌‌آید چون‌ ام نقصت عطف بر اربعا می‌‌شود، می‌‌شود اذا لم تدر نقصت، نمی‌دانی نقصان داشتی در نماز‌ ام لا، باز: و لم تدر زدت‌ ام لا. آن وقت گفته می‌‌شود: شک در نقیصه و شک در زیاده وجوب سجود سهو می‌‌آورد، علم به نقیصه یا علم به زیاده سجود سهو نمی‌آورد؟ مگر می‌‌شود همچون چیزی؟ طبق این احتمال سوم یکی از موجبات سجود سهو شک در زیاده و شک در نقیصه است.

این احتمال سوم که انصافا خلاف ظاهر است. چون ظاهرش این است که همان‌طوری که اربعا صلیت‌ ام خمسا علم اجمالی را می‌‌گوید، اگر نقصت‌ ام زدت عطف باشد بر اربعا صلیت‌ ام خمسا این هم علم اجمالی است. اذا لم تدر اربعا صلیت‌ ام خمسا و اذا لم تدر نقصت‌ ام زدت، می‌‌شود همان احتمال اول. انصافا احتمال اول اظهر است همان‌طور که آقای خوئی فرمودند.

پس استظهار از این روایت این است که علم اجمالی بانه إما زاد او نقص فی الصلاة موجب سجود سهو است.

[سؤال: ... جواب:] این علم اجمالی پیدا می‌‌شود به این‌که یا سه رکعت خواندم نماز را یا پنج رکعت، ‌او که قطعا باطل است، این از شکوک مبطله است، ‌یعنی علم اجمالی داری به بطلان نماز. ... فرض این است که اذا لم تدر اربعا صلیت او خمسا علم اجمالی ثنائی است یا چهار رکعت خواندم یا پنج رکعت. و اذا لم تدر نقصت‌ ام زدت علم اجمالی ثنائی است نمی‌دانم ناقص خواندم یا زاید خواندم، این‌جور که شما می‌‌فرمایید نمی‌دانم سه رکعت خواندم یا پنج رکعت این نماز باطل است.

[سؤال: ... جواب:] من نمی‌دانم یک رکعت خواندم یا دو رکعت خواندم یا سه رکعت خواندم یا چهار رکعت خواندم یا پنج رکعت خواندم یا شش رکعت خواندم بعد بگویم تشهّدْ و دو تا سجده سهو بجا بیاور؟

البته آقای خوئی فرمودند علم اجمالی به زیاده یا نقیصه موجب سجود سهو است ولی علم تفصیلی به زیاده یا علم تفصیلی به نقیصه یا علم تفصیلی به هر دو این سجود سهو نمی‌آورد. ملاکات، تعبدی است، ‌به ما چه مربوط؟

آقای حکیم هم این را فرمودند.

ولی انصافا این عرفی نیست. به قول مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری عرف این را نمی‌پذیرد، عرف برای علم طریقیت می‌‌بیند در این‌جا. علم اجمالی داری یا حمد را ترک کردی یا دو بار خواندی این‌جا سجده سهو بجا بیاور ولی اگر علم تفصیلی داری حمد را در رکعت اول ترک کردی و در رکعت دوم دو بار خواندی، بگوییم هیچ سجده سهو لازم نیست، انصافا این‌ها عرفیت ندارد.

[سؤال: ... جواب:] اگر به عرف بگویید شارع گفت اگر علم داری یا در نمازت یک چیزی را کم کردی یا یک چیزی را اضافه کردی سجده سهو بجا بیاور، اما اگر علم تفصیلی داری به این‌که در یک رکعت قرائت را ترک کردی یا در رکعت دوم دو بار قرائت بجا آوری لازم نیست سجده سهو، [نمی پذیرد].

روایت دوم، وسائل جلد 8 صفحه 224 صحیحه زراره:‌ اذا شک احدکم فی صلاته فلم یدر زاد‌ ام نقص فاسجد سجدتین و هو جالس و سماهما رسول الله صلی الله علیه و آله المرغمتین.

روایت سوم، صحیحه فضیل بن یسار:‌ من حفظ سهوه فاتمه فلیس علیه سجدتا السهو انما السهو علی من لم یدر أ زاد فی صلاته‌ ام نقص منها.

چون سجود سهو آمده پس معلوم می‌‌شود نماز صحیح است، پس نمی‌تواند شک مبطل در رکعات باشد یا شک صحیحی که وجوب صلات احتیاط دارد. پس این نماز صحیحی است که نیاز به نماز احتیاط هم ندارد، ‌فقط سجده سهو می‌‌خواهد. این لامحالة منحصر می‌‌شود به زیاده غیر رکنیه و نقیصه غیر رکنیه.

این هم دلیل دوم بر وجوب سجود سهو لکل زیادة او نقیصة.

ما به نظرمان باید از ظهور این دو دلیل رفع ید کنیم چه از ظهور روایت سفیان بن سمط چه از ظهور این روایاتی که مفادش وجوب سجود سهو است در فرض علم اجمالی در زیاده یا نقیصه.

وجه اول برای رفع ید از ظهور این روایات در وجوب روایاتی است در موارد متفرقه که گفته سجده سهو واجب نیست. یک: صحیحه ابی بصیر: من نسی سجدة واحدة فذکرها و هو قائم قال یسجدها اذا ذکرها ما لم یرکع فان کان قد رکع فلیمض علی صلاته فاذا انصرف قضاها و لیس علیه سهو. اگر کسی سجده واحده را فراموش کند، بعد از رکوع ملتفت بشود قضاء‌ کند بعد از نماز این سجده را، قبل از رکوع ملتفت بشود برگردد تدارک کند، و لیس علیه سهو، سجده سهو هم بر او واجب نیست. نسیان سجده را که مجموع دو سجده رکن است، نسیان سجده که نصف رکن است، سجود سهو ندارد.

روایت دوم موثقه عمار: الرجل اذا اراد ان یقعد فقام، می‌‌خواست بنشیند ایستاد، قال لیس علیه سجدة السهو حتی یتکلم بشیء، ‌سجده سهو ندارد، آنی که سجده سهو دارد تکلم است به کلام آدمی.

[سؤال: ... جواب:] ظاهر تکلم انصراف دارد به کلام آدمی. ... در روایات دیگر فرمود کسی که تکلم کند در نماز که انصراف دارد به کلامی آدمی سجده سهو دارد، این روایت می‌‌خواهد بگوید این قیام زاید سجده سهو ندارد، ‌آنی که سجده سهو دارد تکلم به کل ام آدمی است.

روایت سوم صحیحه حلبی: اذا قمت فی الرکعتین من ظهر او غیرها فلم تتشهد فیهما، رکعت دوم بودی، ‌تشهد نخواندی، قبل از رکوع رکعت سوم یادت آمد، فاجلس و تشهد و قم فاتم الصلاة و ان انت لم تذکر حتی ترکع، اگر رکوع رکعت سوم رفتی بعد یادت آمد، فاذا فرغت فاسجد سجدتی السهو بعد التسلیم، آن وقت سجده سهو بجا بیاور یعنی در فرض اول که قیام زاید داری، قیام زاید داری دیگر.

[سؤال: ... جواب:] تشهد قضاء ندارد، فاذا فرغت فاسجد سجدتی السهو، تشهد قضاء ندارد، مشهور گفتند قضاء دارد، صحیح این است که قضاء ندارد فقط سجده سهو دارد.

روایت چهارم: موثقه عمار: و لیس فی شیء مما یتم به الصلاة سهو، ‌یعنی سجده سهو ندارد متممات نماز، فراموش کردی و بعد برگشتی بجا آوردی.

حدیث پنجم صحیحه فضیل بن یسار است: من حفظ سهوه فاتمه فلیس علیه سجدتا السهو انما السهو علی من لم یدر أ زاد فی صلاته‌ ام نقص منها. ظهور انما در حصر است. کسی که یادش بیاید چیزی را فراموش کرده برگردد انجام بدهد که سجده سهو ندارد، آنی سجده سهو دارد که علم اجمالی دارد نمی‌داند در نمازش چیزی را زیاد کرده یا چیزی را کم کرده.

آن وقت شما یک عمومی دارید تسجد سجدتی السهو لکل زیادة تدخل علیک او نقصان، این عرفی است که بخواهید بگویید در این مواردی که روایت داریم سجده سهو واجب نیست در غیر این‌ها واجب است، این عرفی است؟ یا حمل این تسجد بر استحباب؟

[سؤال: ... جواب:] قیام زاید را که تدارک نکرد، او قیام زاید بود، مصداق لکل زیادة تدخل علیک بود.

این شاهد اول بر رفع ید از ظهور آن روایات در وجوب سجود سهو.

شاهد دوم: روایاتی است نفرموده سجده سهو بجا بیاور با این‌که مناسب بود که امر به سجود سهو بکند. مثلا موثقه ابی‌بصیر: اذا نسی ان یقرأ فی الاولی و الثانیة اجزأه تسبیح الرکوع و السجود و ان کانت الغداء فنسی ان یقرأ فیها فلیمض فی صلاته، اگر در نماز صبح فراموش کرد قرائت را نمازش را ادامه بدهد برود، معنای یمضی این است، نفرموده بعد الصلاة تسجد سجدتی السهو. در مقام بیان وظیفه هم بوده، خب اگر وظیفه‌اش سجده سهو است عرفی است که بیان نکند؟

یا مثلا: در صحیحه قداح: سئل عن رجل رکع و لم یسبح ناسیا قال تمت صلاته.

در صحیحه علی بن یقطین دارد رجل نسی تسبیحه فی رکوعه و سجوده قال لابأس بذلک، نفرمود و لیسجد سجدتی السهو.

[سؤال: ... جواب:] این‌که در یک روایت مطلق بیایند حکم ترخیصی بیان کنند، در مقام افتاء هم بوده، علی بن یقطین سؤال از وظیفه فعلیه‌اش می‌‌کند امام به او افتاء می‌‌کند، امام به عنوان فقیه به او برخورد می‌‌کند، با زراره و محمد بن مسلم فرق می‌‌کند، امام به او می‌‌فرمایند لابأس بذلک او هم جواب می‌‌گیرد و می‌‌رود دنبال وزارت‌خانه‌اش، بعد امام به این بفرمایند من به سفیان بن سمط گفتم تسجد سجدتی السهو لکل زیادة تدخل علیک او نقصان، رفع ید کن از این ظهور سکوتی من در عدم وجوب سجود سهو، این متعین نیست، عرف می‌‌گوید شاید آن تسجد حکم استحبابی باشد.

شاهد سوم: در نسیان قرائت، اصلا گفت: انا رب الابل و للبیت رب سیمنعه، فعلا ما بحث‌مان در نسیان قرائت است، کار به جاهای دیگر نداریم، ‌در نسیان قرائت صحیحه محمد بن مسلم می‌‌گوید: من نسی القراءة تمت صلاته و لاشیء علیه.

اگر مراد صرفا نفی اعاده است چرا بعدش فرمود و لاشیء علیه. این‌که ما مثل آقای بروجردی بگوییم ظهور و لاشیء علیه در نفی وجوب سجود سهو، شاید تاکید همان تمت صلاته باشد، این عرفی نیست. یا می‌‌گویید ظهور اطلاقی دارد تقیید می‌‌زنیم، حالا این باز قابل قبول است، آقای بروجردی در تبیان الصلاة یک عبارتی دارند، ‌جلد 8 صفحه 277 فرمودند فی دلالتها اشکال لانه لاشیء علیه یکون ناظرا الی عدم وجوب اعادة الصلاة. [اقول:] چه ظهوری دارد در بیان تکرار تمت صلاته؟

[سؤال: ... جواب:] تمت صلاته و لاشیء علیه، آیا به اطلاقش نمی‌گویید و لاشیء علیه یعنی نه قضاء دارد نه سجود سهو دارد.

آقای سیستانی فرموده بالاتر از این‌ها می‌‌گوییم: اصلا کالصریح است در نفی وجوب سجود سهو چون جو فقهی آن زمان را حساب کن! جو فقهی لاشیء علیه را معنا می‌‌کند. مثل هر جوی. جوسازی که می‌‌شود، مثلا صیاد می گوید لاشیء هنا، یعنی صید نیست. کسی که دنبال بریدن درخت‌های جنگل است می گوید لاشیء هنا یعنی درختی که بخواهیم ببری نیست. جو هر چیزی لاشیء را معنا می‌‌کند. جو فقهی آن زمان همان‌طور که ابن رشد در بدایة المجتهد گفته این بوده که می‌‌گفتند ترک سنت موجب سجود سهو است. و حتی می‌‌گفتند سنت اعم است از سنت واجبه و سنت مستحبه مؤکده. در مقابل رغائب. رغائب را می‌‌گفتند سنت غیر مؤکده. رغائب مستحب غیر مؤکد، سنت اعم از واجب غیر الهی و یا مستحب مؤکد. می‌‌گفتند سجود سهو دارد. آن وقت در همچون جو فقهی امام وقتی می‌‌فرماید لاشیء علیه اصلا این عرفا ناظر به این است که یعنی لاسجدة سهو علیه.

حالا این فرمایش آقای سیستانی را هم ما انصافا نمی‌توانیم مطمئن به او بشویم، ما در همان حد ظهور اطلاقی که باور خودمان هست می‌‌ایستیم. می‌‌گوییم: همان ظهور اطلاقی برای ما کافی است، لاشیء علیه ظهور اطلاقیش این است که سجود سهو ندارد. و نسبتش با روایت سفیان بن سمط می‌‌شود عموم من وجه. بعد از تعارض در مورد نسیان قرائت و تساقط، رجوع می‌‌کنیم به برائت از وجوب سجود سهو.

و لذا به نظر ما سجود سهو لکل زیادة او نقیصة سهویا لازم نیست، فقط در تکلم سهوی و در سلام سهوی و در شک بین چهار و پنج بعد از اکمال سجدتین ما سجود سهو را لازم می‌‌دانیم. در مورد علم اجمالی بانه زاد او نقص هم احتیاط می‌‌کنیم. آن‌جا هم مشهور قائل نشدند ولی از باب این‌که این روایت هست و بزرگانی مثل آقای خوئی و بعضی از بزرگان مثل آقای سیستانی احتیاط می‌‌کنند ما هم احتیاط می‌‌کنند. اما در نسیان قرائت احتیاط مستحب است سجود سهو.

[سؤال: ... جواب:] گفتیم شاهد سوم‌مان فقط در نسیان قرائت مطرح است، در نسیان قرائت حل کنید، ‌حالا خدا بزرگ است، تعطیلات عید و تعطیلات ماه رمضان هم در پیش است بعدش رسیدیم به نسیان تسبیح رکوع و سجود بینیم آن‌جا شاید لعل الله یحدث بعد ذلک امرا. ... ... برای قیام زاید هم بود. قیام زاید سجده سهو ندارد، سجده منسیه سجده سهو ندارد، تسبیح رکوع و سجود سجده سهو ندارد، پس دیگه چی ماند برای تسجد؟ عرفی نیست این‌که بگوییم تسجد الا در این موارد منصوصه.

و این نکته اعراض اصحاب شاید باشد از آن ادله‌ای که ذکر شد برای وجوب سجود سهو که یکی روایت سفیان بن سمط بود، یکی هم آن روایاتی بود که می‌‌گفت اذا لم یدر أ زاد او نقص.

[سؤال: ... جواب:] در مورد این علم اجمالی زاد او نقص، فرض این است که محلش گذشته. این‌که نمی‌گوید اگر محلش نگذشته بود تکرار نکن.

آقای خوئی یا آقای حکیم فرمودند اگر سجده سهو واجب باشد چرا دو تا سجده سهو جناب صاحب عروه!. یک نسیان است، یک فراموشی منشأ شد که ما هم حمد را ترک کنیم هم سوره را.

می‌گوییم: دلیل صاحب عروه ظاهرا روایت سفیان بن سمط است، یا روایت اذا لم تدر أ زدت‌ ام نقصت. آن‌ها معیار را سهو قرار نداده، یک سهو یا دو سهو، تا بعد بگوییم یک سهو منشأ شد من حمد و سوره را ترک کنم، نه، معیار آن منسی است، آن‌که فراموش کردی یکی است یا دو تا. بعید نیست عرف در نسیان حمد و سوره، بعید نیست یعنی ذوق عرفی مساعد با فرمایش صاحب عروه است که عرف بگوید دو تا را فراموش کرده. این دقت که بگوییم هر آیه‌ای را بلکه هر کلمه‌ای را جداجدا بگوید فراموش کردی این خلاف ذوق عرفی است.

[سؤال: ... جواب:] تسجد سجدتی السهو لکل زیادة تدخل علیک او نقصان، نقصان الحمد یکی است، نقصان السورة هم یکی است، و لو منشأ نقصان حمد و سوره یک فراموشی باشد. ... آن روایات دیگر هم که می‌‌گوید اذا لم تدر أ زدت‌ ام نقصت فاسجد سجدتین که بود، که از آن استظهار کردیم علم تفصیلی به نقیصه یا علم تفصیلی به زیاده هم موجب سجود سهو است، عرفا دو تا نقیصه است دیگر، یک نقیصه حمد یک نقیصه سوره. انحلالی است دیگر. اذا لم تدر أ زدت‌ ام نقصت. ظاهرش این است که به تعداد نقصان‌ها سجده سهو زیاد بشود. نه این‌که شما در نماز ده تا چیز را فراموش کردی، ده بار هم فراموش کردی، همان فرمایش آقای خوئی را می‌‌گوییم، ده بار، قرائت رکعت اول را فراموش کردی در رکوع یادت آمد گفتی‌ ای وای، رکعت دوم هم باز خواستی قرائت بخوانی باز فراموش کردی در رکوع یادت آمد گفتی ‌ای وای، همین‌جوری، همان یک بار هم که [قرائت را] گفتی اما ‌تسبیح رکوع را فراموش می‌‌کردی، همه نمازش شد ‌ای وای، همه اذکار را فراموش کردی بگوییم یک سجده سهو، این عرفی است؟ این‌جور که شما می‌‌گویید، اصلا چرا در یک نماز حساب کنید؟ نقصان در ده تا نماز، سجده سهو بجا نیاوردم، بعد از ده تا نماز یک سجده سهو بجا می‌‌آورم.

[سؤال: ... جواب:] اصلا مشهور مطرح نکردند، حتی استحباب را هم نگفتند قبل از علامه و شهید، خود شهید هم که فتوی می‌‌دهد به وجوب سجود سهو لکل زیادة او نقیصة خودش گفته این‌که شیخ طوسی گفته بعض اصحابنا ذهبوا الی الوجوب لم اظفر بقائله ولی خودش در ذکری قائل شده، در دروس می‌‌گوید لم اظفر بقائله ولی در ذکری خودش قائل شده.

مسأله 2 این است، ‌عنوان کنیم، نماز صبح می‌‌خواهد بخواند ده دقیقه مانده به طلوع آفتاب، یک سوره‌ای را شروع می‌‌کند که خود این سوره بیشتر از ده دقیقه طول می‌‌کشد، لایجوز قراءة ما یفوت الوقت بقراءته من السور الطوال فان قرأه عمدا بطل الصلاة و ان لم یتمه ان کان من نیته الاتمام حین الشروع، شروع بکند یک سوره‌ای که طول می‌‌کشد، ‌از وقت می‌‌گذرد، و لو وسطش پشیمان بشود، و لو رکعت دوم باشد، ایشان این‌جور می‌‌گوید، می‌‌گوید: شما نمازت باطل است.

ببینیم وجه بطلان چیست. کار خلاف کردی شما یا می‌‌خواستی کار خلاف کنی حرفی نیست، اما وجه بطلان نماز مخصوصا در جایی که وسط کار پشیمان می‌‌شوی و بر می‌‌گردی سریع سوره انا اعطیناک الکوثر می‌‌خوانی و می‌‌روی به رکوع و نمازت را تمام می‌‌کنی که هنوز آفتاب نزده، وجه بطلان نماز در این حال چیست، ان‌شاءالله فردا بررسی می‌‌کنیم.

و الحمد لله رب العالمین.